

بررسی و تبیین تاریخ‌نگاری محلی کشمیر تا اوایل قرن یازدهم

سیداصغر محمودآبادی^۱

اصغر منتظرالقائم^۲

محمد حسین ریاحی^۳

چکیده

از اوایل قرن هشتم هجری، با گسترش اسلام در شبه‌قاره هند، زبان و ادب فارسی به عنوان زبان دینی، علمی و ادبی در کشمیر رواج یافت. آثار مختلفی، از جمله تاریخ‌های محلی به فارسی نگاشته شد؛ اما این آثار در جامعه ایرانی شناخته شده نیست و تلاش موشکافانه برای معرفی برگزیده‌ترین این آثار در ایران صورت نگرفته است. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش این است که تاریخ‌نگاری فارسی در کشمیر چه آثار مهمی را تولید کرده است. (سؤال) به نظر می‌رسد کتاب‌هایی چون: *راج ترنگینی* (کهن‌ترین تاریخ کشمیر)، *بهارستان شاهی* (نامه شاهان کشمیر) و *تاریخ کشمیر* (معروف به تاریخ حیدر ملک کشمیری) مهم‌ترین آثار به شمار می‌رود. (فرضیه) غرض، نشان دادن شباهت‌های فرهنگی کشمیر با اندیشه‌های ایرانی و اسلامی، مؤلفه‌های متعددی، چون تعالیم عرفانی، ادبی و صوفیانه در رشد و شکوفایی تاریخ‌نگاری فارسی است. (هدف) مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی (روش) به این نکته دست یافته که: تاریخ محلی کشمیر بیش‌تر به اساطیر، مذهب و شخصیت‌های مقتدر و نافذ از جمله سلاطین و عرفا توجه کرده است تا مسائل اجتماعی و مردمی. (یافته)

واژگان کلیدی

تاریخ‌نگاری، کشمیر، راج ترنگینی، بهارستان شاهی و تاریخ حیدر.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان - a.mahoudabadi@litr.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان - Montazer5337@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان - MHRMHR@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۶

مقدمه

کشمیر به عنوان یکی از ولایات شمالی شبه‌قاره هند علاوه بر محاسن طبیعی، منشأ تحولات فرهنگی و ادبی به ویژه در زمینه زبان و ادبیات فارسی بوده است. با توسعه اسلام در کشمیر، نه تنها احداث بناهای دینی، مساجد، حسینیه‌ها و خانقاه‌ها رونق خاصی گرفت بلکه زبان فارسی نیز در دوره حاکمیت سلطان زین‌العابدین از سلسله شاه میری (۸۲۷-۸۷۸ ق/ ۱۴۲۳-۱۴۷۳ م) زبان رسمی دربار گردید. (کشمیری، ۱۳۸۸: ۱۵) مهاجرت گروه‌های مختلف مسلمانان فارسی‌زبان اعم از عرفا، علما و شعرا از خراسان، ماوراءالنهر، ری، اصفهان، همدان، شیراز و تعدادی از شهرها و مناطق دیگر در توسعه فرهنگ ایران‌زمین در کشمیر از اهمیت خاصی برخوردار است. (رادفر، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵؛ کشمیری، ۱۳۸۸: ۱۴)

تذکره‌نویسی و تاریخ‌نویسی به فارسی که به تشویق حکام و سلاطین رشد قابل توجه نمود در مناطق مختلف هند قبل از تیموریان حرکت خود را آغاز و از آن پس به ویژه در عهد سلاطین بزرگ تیموری (۹۶۳-۱۱۱۸ ق/ ۱۵۵۶-۱۷۰۷ م) به اوج خود رسید، هرچند که پس از آن نیز استمرار داشت. (احمد، ۱۳۸۹: ۸۰) نخستین تاریخ محلی کشمیر (راج‌ترنگینی) به زبان سانسکریت بوده که بعدها به زبان فارسی ترجمه شد. پس از ایجاد سلسله‌های اسلامی در آن سرزمین تواریخ محلی به فارسی نگاشته شده است. میزان تواریخ محلی و منطقه‌ای در کشمیر به زبان فارسی در قرون یازدهم و دوازدهم بیانگر اعتبار و اعتلای این زبان و نیز نشانگر تألیف مهم‌ترین آثار مربوط به تاریخ، رجال و سرگذشت آن سرزمین به زبان فارسی می‌باشد. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۱۵)

به جز راج‌ترنگینی که آیین تمام‌نمای اساطیر و فرهنگ باستانی این سرزمین است، دو اثر دیگر یکی اولین تاریخ تألیف شده به فارسی یعنی *بهارستان شاهی* «نامه شاهان»، دیگری *تاریخ کشمیر* «حیدر ملک چادوره» آن نیز، در نیمه اول قرن یازدهم هجری تألیف شده از مهم‌ترین آثاری هستند که مبنای اخبار و اطلاعات مربوط به این سرزمین تاریخی را تشکیل می‌دهند و می‌توان آن‌ها را منبع و مصدر تاریخ و فرهنگ این سرزمین و تأثیرگذاری معنوی ایران در کشمیر یا ایران صغیر به حساب آورد، زیرا در این‌گونه منابع

تأثیر، بسط و امتداد فرهنگ ایران را در دوران متمادی می‌توان رصد کرد و این سه اثر نیز بر این موضوع کفایت می‌کند.

تاریخ‌نگاری فارسی در کشمیر

پس از گرایش مردم کشمیر در اواسط قرن هشتم هجری به اسلام و نیز گسترش زبان و ادبیات فارسی و توسعه آن به ویژه در عصر سلطان زین‌العابدین (۸۲۷-۸۷۸ ق / ۱۴۲۳-۱۴۷۳ م) این زبان جایگزین سانسکریت گردید و پس از آن بسیاری از آثار و کتب به خصوص در آموزش عمومی به زبان فارسی مورد استفاده بوده است.

اما در عهد حاکمیت تیموریان هند و پس از آن تا اوایل قرن چهاردهم هجری بسیاری از تواریخ و تذکره‌های محلی کشمیر به زبان فارسی تألیف، تدوین و تحریر شده است. اگرچه اغلب شاهان تیموری به تاریخ و تاریخ‌نویسی متمایل بودند، ولی از میان آن‌ها اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ق / ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م) بیش از همه به تاریخ علاقه‌مند بود و در زمان او تألیفات تاریخی بسیاری شکل گرفت. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۱۷) به طوری که در این باب آمده است: «اگرچه سواد کامل نداشت، اما گاهی شعر می‌گفت و در علم تاریخ وقوفی تمام داشت و قصص هند نیکو می‌دانست.» (عبدالرحمان، ۱۹۹۵: ۱۱۷)

دانشنامه ادب فارسی موارد متعددی از آثار مربوط به تواریخ و تذکره‌های محلی کشمیر که به زبان فارسی نوشته شده را ذکر کرده است که در حال حاضر تعدادی موجود و عمده در دسترس نیست. در این دانشنامه، ابتدا از تاریخ باستانی و حماسی چهار هزار ساله و ترجمه‌های آن به فارسی تا تواریخ متأخر که به فارسی بوده، مطالبی نگاشته شده است. (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۹۱) از جمله آخرین تاریخ‌های محلی فارسی کشمیر تاریخ حسن یا *اسرارالاکخیر* از پیر غلام حسن کهویمی است که در بین سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۹ ق / ۱۸۸۷-۱۸۹۱ م در چهار جلد نگاشته که امروزه از مهم‌ترین منابع در زمینه تاریخ کشمیر به شمار می‌رود. (رادفر، ۱۳۸۵: ۵۹؛ اشرف خان، ۱۳۸۹: ۶۰۳)

با توجه به اهمیت تاریخ‌نگاری محلی فارسی در شبه‌قاره، به ویژه در منطقه کشمیر به سه مورد از مهم‌ترین آثار مربوط به آن تا اواسط قرن یازدهم هجری در این باب پرداخته و به احوال نویسنده، مطالب، محتویات، اهمیت و ارزش تاریخی و محاسن و معایب اثر

اشاره خواهد شد:

۱. راج ترنگینی (کهن ترین تاریخ کشمیر)

این اثر که تاریخ چهار هزار ساله کشمیر را دربر دارد در سال (۵۴۴ ق / ۱۱۴۹ م) توسط پاندیت کلهن^۱ به زبان سانسکریت سروده شده و به معنی دریای شاهان یا بحرالملوک است.

راج ترنگینی اولین بار به فرمان سلطان زین العابدین (۸۲۷-۸۷۸ ق / ۱۴۲۳-۱۴۷۳ م) توسط ملا احمد کشمیری به فارسی برگردانیده شد اما به دلیل این که اثری از ترجمه باقی نماند؛ (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۲۱۹) یا به تعبیری ترجمه خوب و مناسبی نداشت، (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۵: ۸۲) در سال (۹۹۷ ق / ۱۵۸۸ م) به فرمان جلال الدین اکبر گورکانی، ملاشاه محمد شاه آبادی آن را به فارسی ترجمه کرد. (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۲۱۶) مدتی پس از آن نیز در سال (۹۹۹ ق / ۱۵۹۰ م) یکی دیگری از فضلالی معروف اکبری یعنی عبدالقادر بدایونی نویسنده منتخب التواریخ پس از تجدیدنظر، این کتاب را تلخیص نمود. (اصغر، ۱۳۶۴: ۱۹۷) که اکنون در دست نیست.

راج ترنگینی یا کهن ترین تاریخ موجود کشمیر در عهد راجه جیسنگه به نظم سروده شده و مشتمل بر هشت کتاب (ترنگ) و هشت هزار اشلوک (بیت) است. کلهن نظم راج ترنگینی را در سال (۱۱۴۸ م / ۵۴۳ ق) و به سال (۱۱۴۹ م / ۵۴۴ ق) آن را به اتمام رسانید. (رادفر، ۱۳۸۵: ۵۶)

یکی از نویسندگان تاریخ کشمیر، کلهن را مردی بی نظیر در علم و بی بدیل در عالم معرفی کرده است. (کھویامی، ۱۹۵۴، ج ۱: ۱۵۱) کلهن در تاریخ نویسی و حماسه سرایی حکم حکیم ابوالقاسم فردوسی و هردوت یونانی را دارد. تینی، کلهن را هومر ثانی خطاب کرده است ولی کلهن با فردوسی شباهت بسیار دارد و حتی هر دو حماسه سرا در موضوع و هدف شریک بوده اند. دکتر صوفی از محققان برجسته در باب تاریخ کشمیر، راج ترنگینی

۱. پاندیت کلهن از برهمنان یعنی بالاترین طبقه آئین هندو بوده است. پدر او در زمان پادشاهی «هرشه»، (۳۹۲-۴۸۲ ق / ۱۰۰۱-۱۰۸۹ م) وزیر بزرگ کشمیر بوده، کلهن به معنی خوشبخت و مبارک است.

را شاهنامه کشمیر خوانده است. (رادفر، ۱۳۸۵: ۵۶)

تاریخ‌نویسان و پژوهش‌گران، سلسله وقایع بعد از تاریخ کلهن را پی‌گرفته و به نوشتن چند کتاب به عنوان تکلمه راج ترنگینی حوادث تاریخی را تا سال (۱۵۸۶ م / ۹۹۵ ق) ادامه داده‌اند. سه تکلمه معروف راج ترنگینی عبارتند از: ۱. راج ولی؛ ۲. زینه راج ترنگینی؛ ۳. راج ولی پتاکا (رادفر، ۱۳۸۵: ۵۶) راج ترنگینی از نظر فرهنگ واژگان سانسکریت و هندی، غنای فراوانی دارد. مترجم در اغلب موارد کلمات سانسکریت و گاه هندی را با معانی آن‌ها ذکر کرده و به این ترتیب بسیاری از آموزه‌های لغوی را با روایت‌ها و حکایت‌های تاریخی و دینی همراه ساخته است. (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۵: ۸۳)

نوشته‌های کتاب دربردارنده مطالب متعدد و مختلفی است از جمله: مقام و موقعیت پادشاه، تقسیمات کشوری، مجالس مشورتی، نظام روستا، نظام شهری، مالیات، حقوق، احتساب، رسیدگی به مظالم، تشکیلات لشکری، طبقات مردم، خانواده، جشن‌ها، ابنیه، وضع اقتصادی، صنعت، پیشه، وضع فرهنگی، رسوم و خرافات، راج ترنگینی در اصل حماسه و تاریخ پیش از اسلام کشمیر و شرحی در باب سلسله‌های هند و بودایی کشمیر است. (شاه‌آبادی، ۱۳۵۳: ۱۶-۱۷) جاذبه دیگر کتاب وجود تشابهات متعددی می‌باشد که میان نوشته‌های راج ترنگینی با بعضی از روایات اسلامی و حکایات تاریخی ایران دیده می‌شود؛ مثلاً در جایی حکایت راجه‌ای به نام لتتادت^۱ آمده که شکافتن آب رودخانه پنجاب و گذشتن لشکر راجه از آن و به هم پیوستن آب و عبور نکردن دشمنان از آن، مشابه معجزه حضرت موسی(ع) است.

در جایی در کتاب، که همه آب‌های پنجاب یک‌جا به هم می‌رسد راجه را با جمعی از مخالفان، ملاقات اتفاق افتاد و دشمنان در غایت کثرت بودند و لشکر تاجه تاب مقاومت ایشان نداشتند و به هیچ وجه صلاح جنگ با مخالفان در آنجا نبود و در عقب لشکر راجه آب پنجاب بود که گذشتن از آن بی کشتی محال می‌نمود و اصلاً کسی آنجا حاضر نبود. راجه به غایت مضطرب گشت و از جنکن^۲ کیمیاگری که بسیاری از فنون را می‌دانست و

1. Leltadat.

2. Jankan.

راجه او را همراه خود داشت، پرسید که: علاج گذشتن از این آب‌ها چیست؟ جنکن فی الحال دو جوهر از بغل بیرون آورده یکی را در آب انداخت همان زمان در میان آب راهی پیدا شد و آبی که از بالا می‌آمد همان‌جا بایستاد. پس راجه با لشکر از آب بگذشتند. جنکن بعد از آن جوهر دیگر را بنمود. آن جوهر اول از میان آب برآمده و به دست او باز آمد و به دستور او روان گشت و مخالفان در آن طرف بماندند. راجع به غایت خوشحال شد و حیران بماند و او را نوازش کرد. (شاه آبادی، ۱۳۵۳: ۱۲۲)

حکایات راج ترنگینی با ادبیات ایران و مثال‌های آن همسانی دارد؛ به طوری که گاهی شخصیت‌های تاریخی و اوصاف ظاهری آن‌ها نیز در تاریخ ایران و هند به نقطه تشابه و اشتراک می‌رسد. در داستانی از کتاب، بعد از راجه بجی^۱ پسرش راجه چندر^۲ جانشین پدر می‌شود و «چنان بود که دست‌های او به انتهای زانوان وی در قیام می‌رسید و درسامدیریک که عبارت از علم قیافه باشد آن را از خصال حمیده شمرده، نشانه مردانگی و همت نوشته‌اند.» (شاه‌آبادی، ۱۳۵۳: ۷۰) و در تاریخ باستانی ایران نیز مشابه آن اردشیر دراز دست یعنی اردشیر اول هخامنشی (۴۶۶-۴۲۴ ق) می‌باشد.

وجود شخصیت‌هایی که دارای تفکر عرفانی بوده‌اند، در ایران و کشمیر شواهد بی‌شماری دارد، اما در میان شاهان و راجه‌ها که بیش‌تر چشم به دنیای بیرون دارند تا جهان درون، وجود افرادی همچون «کیخسرو» و «رنادت» مایه اعجاب و استحسان عالم بشری است. به همین دلیل است که زندگی و مرگ آن‌ها همیشه در هاله‌ای از رمز و راز ابهام فرو می‌رود. (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۵: ۸۸) شخصیت‌های تاریخی اغلب چهره‌هایی زاهد و پرهیزکارند و با وجهه عرفانی هستند در هاله‌ای از تقدس و رهبانیت فرو رفته‌اند. این چهره‌ها در روایت‌های تاریخی حکایت عدل و انصاف راجه‌های هند و یا جباری ستمگران تاریخ را به نمایش می‌گذارند. (خلیلی، جهان تیغ، ۱۳۸۵: ۸۳)

به طور کلی کتاب راج ترنگینی به اخلاق و دین تکیه می‌کند، سراینده اثر به کشوری افتخار می‌کند که هیچ فاتحی نمی‌تواند آن را بدون سلاح اخلاقی و سیرت نیکو فتح کند.

1. Beji.

2. Chandr.

او معتقد است که کشمیر را تنها به نیروی روحانی می‌توان تسخیر کرد نه به قوت لشکر (شاه‌آبادی، ۱۳۵۳: ۶) شاید به همین دلیل است که اکثر حکایت‌های کتاب وجه اخلاقی دارد. بسیاری از ملتها به خصوص اگر مانند دو ملت ایران و کشمیر، پیوستگی نژادی و خونی هم داشته باشند، دارای اسطوره‌ها، افسانه‌ها، آیین‌ها و اعتقادات مشترک و شبیه به هم هستند. حکایت‌ها زنده و فعال‌اند و محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌مانند و از مرزها عبور می‌کنند و در دل و جان مردم می‌نشینند. از لابه‌لای متون راج‌ترنگینی می‌توان مطالب متعددی را اخذ نمود که حکایت از ارزش و ویژگی‌های اثر دارند که مواردی را می‌توان برشمرد از جمله:

- نوشته‌های پاندیت کلهن درمورد وجه تسمیه شهرها، چگونگی بنای آن‌ها، در باب ضرب‌المثل‌ها و عبارات حکیمانه رایج در آن دوران و نیز درباره رسوم و آیین هندوان و در واقع تاریخ ادبیات کهن کشمیر، سرشار از اطلاعات سودمندی است.

- در این اثر جنبه‌ها و گوشه‌های مختلف زندگانی انسانی کشمیر ارائه و اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی و دینی مورد توجه قرار گرفته است.

- شیوه رفتار و عملکرد راجه‌ها، سیاست‌مداران و زمامداران به وضوح روشن است.

- علل اقتدار و ضعف شاهان مطرح گردیده و به علت زوال «هرش» راجه کشمیر از جمله عدم اراده محکم و قوی، تردید و تزلزل، فقدان عمل و عدم مشاوره همچنین دلایل دیگری مانند هوس پرستی و شهرت‌طلبی اشاره نموده است.

- قحطی و کمی غله را ناشی از ناخوشی معبود هندوان از اطاعت و رفع قحطی را منوط به پرستش و بندگی می‌داند.

- از دیگر مزایای اثر این است که به جهت فرهنگ‌واژگان سانسکریت و هندی غنای فراوانی دارد.

نکات تاریخی اثر و رویدادها گاه با افسانه‌ها همراه شده رنگ اساطیری به خود گرفته و درموردی حالت گزافه و خرافات یافته است.

مطالب کتاب از حیث تاریخی دارای دسته‌بندی نیست و حکایت و اخبار به طور دقیق طبقه‌بندی نشده‌اند. کلهن در نوشتن این اثر از کتاب‌هایی بهره برده که امروزه اثری از آن‌ها بر جای نمانده است. وی در این کتاب پندها و مواظ اخلاقی فراوان آورده و گاهی

درباره عقاید مذهب هندو که خودش پیرو آن بوده، بحث کرده است. راج ترنگینی از منابع ارزنده تاریخ کشمیر است و تاریخ نویسان پس از کلهن از مطالب آن سود فراوان برده‌اند. در مقدمه کتاب از چند اثر که راج ترنگینی آن را اساس کار خود قرار داده نام برده شده است. (نوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۲۱۶)

وجوه اهمیت کتاب راج ترنگینی عبارتند از:

- به نظر می‌رسد ترجمه‌های مکرر راج ترنگینی از سانسکریت به زبان فارسی و آن هم از قرن نهم تا یازدهم هجری از جهتی بیانگر اهمیت اثر در بین مردم و حاکمان کشمیر و از سویی دیگر رشد، اعتلا و فراگیر شدن زبان و ادب فارسی در آن سرزمین است.

- هرچند راج ترنگینی به زبان شعر بوده است اما حکایات آن ترسیمی از گذشته و تاریخ و پیشینه قابل اعتنای کشمیر می‌باشد و در واقع قدیمی‌ترین نوشته‌ها در باب این سرزمین به حساب می‌آید.

- این اثر منبعی برای شناخت آداب و رسوم کهن و توصیفی از احوال و سنت‌های اجتماعی کشمیر است و در حقیقت راج ترنگینی برای مردم کشمیر حکم اثری مانند شاهنامه فردوسی را برای ایرانیان دارد.

- از آنجایی که نویسنده در سرتاسر اثر روایت‌هایی آورده که اکثر آن رنگ معنوی دارد و شخصیت‌هایی تاریخی معمولاً افرادی پرهیزکار و یا دارای وجهه عرفانی می‌باشند لذا مهم‌ترین جهت‌گیری کتاب بر محور اخلاق و معنویت است.

- مقایسه روایات و داستان‌های اثر نمایانگر همسانی و مشابهت‌هایی بین حکایات و شخصیت تاریخی آن با برخی از روایت‌ها و چهره‌های دینی و تاریخی آثار ایرانی و سامی است و تا اندازه‌ای نشانگر تأثیرات متقابل دو ملت ایران و کشمیر به ویژه از حیث فرهنگی و فکری می‌باشد.

۲. بهارستان شاهی (نامه شاهان کشمیر)

نامه شاهان کشمیر یا بهارستان شاهی نخستین تاریخ مستقل محلی کشمیر است که به

زبان فارسی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب از نویسندگی ناشناس و به عهد پادشاهی جهانگیر به سال (۱۰۲۳ ق / ۱۶۱۴ م) تألیف شده است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۱) درباره نویسنده اطلاع دقیقی در دست نیست و حتی اسم او نیز ذکر نشده است. محمد اعظم، نویسنده *واقعات کشمیر* در مقدمه تاریخ خود، از اثری یاد کرده که قبل از حیدر ملک نویسنده *تاریخ کشمیر* (۱۰۳۰ ق / ۱۶۲۰ م) شخصی به نام ملاحسن قاری درباره کشمیر نوشته بود ولی به طور قطع و یقین نمی‌توان گفت که منظورش همین تاریخ باشد. ملاحسن قاری از دست پروردگان و ملازمان پسر مبارک‌خان والی کشمیر قبل از فتح این سرزمین توسط اکبر شاه (۹۹۶ ق / ۱۵۸۷ م) است. (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۱) شاه ابوالعالی^۱ در جنگ‌ها و کشمکش‌های داخلی کشمیر عملاً شرکت کرد. وقتی کشمیر زیر سلطه گورکانیان رفت او تحت سرپرستی راجامان سینگ^۲ برای مدت ۲۴ سال فرصت یافت، خدمات شایان توجهی انجام دهد. در سال (۱۰۲۱ ق / ۱۶۱۲ م) پس از وفات راجامان سینگ به حضور جهانگیر شاه رسید، ضیاع و عقار و زمین بزرگی در تته به او اعطاء شد. (احمد، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۹)

بهارستان شاهی، تاریخ کشمیر را از آفرینش تا (۱۰۲۳ ق / ۱۶۱۴ م) نوشته و در اوایل این تاریخ شرح مختصری از دوران حکومت هندوان آمده که این‌گونه مطالب نسبت

۱. سید شاه ابوالعالی کشمیری، پسر سیدمبارک‌خان (متوفی ۹۹۹ ق / ۱۵۹۱ م) از بزرگان کشمیر بوده است، شاه ابوالعالی مانند پدرش در کشمکش‌های سیاسی کشمیر نقشی به سزا داشته است و پس از سقوط دولت چک و تسلط تیموریان در کشمیر (۹۹۶ ق / ۱۵۸۸ م) به خدمت راجه مان سینگ درآمد و با وساطت حیدر ملک کشمیری به حضور جهانگیر رسید. بخشی از مطالب بهارستان شاهی به جنگ‌ها و فعالیت‌های برجسته وی اختصاص یافته است. آخرین خبر درمورد وی مربوط به سال ۱۰۲۳ ق / ۱۶۱۴ م درباره عزیمت شاه ابوالعالی به تیول‌اهدایی جهانگیر به او در تته (تته) است. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۴۴۵؛ انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۱۶)

۲. راجامان سینگ از فرماندهان عالی رتبه و مقرب اکبر شاه گورکانی (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ ق / ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م) و جهانگیر (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق / ۱۶۰۵-۱۶۲۷ م) بوده و منشأ خدمات بسیاری به دولت مغول هند گردیده است. وی مدت زمانی نیز بر امور کشمیر نظارت داشته و در واقع بعد از تصرف کشمیر در عصر اکبر، نماینده تام‌الاختیار امپراتوری گورکانی در آن‌جا گردید. پس از مرگ یوسف پادشاه سلسله چک (حک: ۹۸۶-۹۹۴ ق / ۱۵۷۹-۱۵۸۶ م) پسرش یعقوب (حک: ۹۹۴-۹۹۶ ق / ۱۵۸۶-۱۵۸۸ م) آخرین پادشاه چک مدتی را در حبس سینگ بسر برد و در قلعه رهطاس به وسیله عوامل او در سال ۹۹۶ ق / ۱۵۸۸ م به قتل رسید و سلسله چک منقرض گردید. راجه مان سینگ تا سال ۱۰۲۱ ق / ۱۶۱۲ م حیات داشته است. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۴۴۴؛ احمد، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۹؛ انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۱۷)

به حجم کتاب چندان زیاد نیست و حدود بیست صفحه بوده و سپس به بیان حکومت مسلمانان در کشمیر می‌پردازد. تا زمان تألیف اثر به علت اینکه نخستین و کامل‌ترین کتاب تاریخی در باب کشمیر محسوب می‌شود از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است و از حیث اهمیت منابع و مأخذ، عنوان رتبه اول را داراست. (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۲) این کتاب در ۹ باب تدوین شده است و در سال (۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م) متن فارسی در کنار ترجمه آن به اردو همراه با مقدمه، تعلیقات و حواشی آن توسط آقای دکتر علی‌اکبر حیدری کاشمیری توسط انجمن شرعی شیعیان جامون و کشمیر به چاپ رسیده است.

در واقع *بهارستان شاهی* یا نامه شاهان کشمیر اثری ممتاز و مرجعی برای محققان و پژوهشگرانی است که تاریخ این سرزمین را از گذشته‌های دور به ویژه از قرن هشتم تا اوایل قرن یازدهم هجری مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهند. اگرچه عمده مطالب آن در محور تاریخ سیاسی و نام پادشاهان و اقدامات آنان است. البته از رویدادها و اتفاقات فرهنگی، عمرانی و رخدادهای اجتماعی نیز غفلت ننموده از جمله می‌توان به نقش عرفا، علما و تأثیرگذاری آنان بر سلاطین و مردم، مقام و موقعیت سادات همدانی مانند میرسیدعلی و فرزندش میرسیدمحمد، ایجاد و تعمیر خانقاه‌هایی مانند خانقاه همدانیه، همچنین جنگ‌ها و شورش‌ها و درگیری‌های داخلی، ورود اقوام و دشمنان خارجی به کشمیر از جمله قتل عام مردم کشمیر توسط میرزا حیدر کاشغری (دو غلات) و یا شیوه تصرف کشمیر به وسیله عمال اکبر شاه گورکانی مطالبی را نگاشته است. نویسنده *بهارستان شاهی* از اتفاقات و بلایای طبیعی مانند سرماهای ویرانگر، قحطی‌هایی که گریبان مردم این سرزمین را گرفته نیز یاد کرده است. از گزارشات مؤلف ناشناس این اثر می‌توان تحولات و دگرگونی‌های مذهبی از جمله تغییر مذهب هندوان به اسلام و نیز نزاحات و درگیری‌های مذاهب اسلامی در کشمیر را دریافت.

محتوای کتاب و شیوه نگارش و بیان اشعار در آن تأثیرپذیری بزرگان و علمای کشمیر در امور علمی و ادبی از فرهنگ و ادب فارسی را نشان می‌دهد و در حقیقت اثر مبین نفوذ معنوی و فرهنگی ایرانیان مسلمان به ویژه سادات و مهاجرین مناطق از جمله خراسان، همدان و اصفهان در کشمیر بوده به طوری که در امور مذهبی، سیاسی و عملی آن

سرزمین نقش عمده و به سزایی را ایفا نموده‌اند. بهارستان شاهی یا نامه شاهان کشمیر در بردارنده مطالبی مبتنی بر یک سیر تاریخی نسبتاً خوب و مناسب از تحولات تاریخی کشمیر است. عمده‌ترین اطلاعات و در حقیقت مهم‌ترین قسمت آن که نقطه قوت اثر به حساب می‌آید گزارش‌هایی است که از نفوذ و حاکمیت اسلام به این سرزمین از اوایل قرن هشتم هجری در اثر درج شده است. هرچند منبع این اخبار ذکر نشده اما با توجه به بررسی منابع در باب کشمیر و شخصیت‌های مورد بحث در اثر، صحت و دقت نوشته‌های آن مشخص می‌شود. همچنین بهارستان شاهی نخستین کتاب تاریخی موجود در باب کشمیر دوران اسلامی به شمار می‌رود.

از جمله مزایای اثر بازگویی ورود، نفوذ و نقش غیرقابل انکار ایرانیان در امور کشمیر است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان تأثیر سیدعلی همدانی و همراهانش، نقش امیرسیدمحمد همدانی پسر میرسیدعلی و نفوذ و موقعیت میرشمس‌الدین عراقی (اراکلی) در امور مذهبی، فرهنگی و سیاسی کشمیر در این اثر ملاحظه نمود. هرچند که از برخی معماران، هنرمندان، شعرا و عرفای دیگری که در کشمیر اثر آفرین بوده‌اند سخن گفته شده و یا نقش خاندان بیهقی که با مهاجرت خود از سبزواری به کشمیر در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن سرزمین مؤثر بوده‌اند، مطالب متعددی نقل شده است.

از مطالب مهم این کتاب، نفوذ میرسیدعلی در این سرزمین و اقدامات وی در آنجا می‌باشد. به ویژه این که سلطان قطب‌الدین (۷۷۵-۷۹۱ ق / ۱۳۷۳-۱۳۸۹ م) تحت تأثیر او احکام شرع را مقرر و به توصیه‌های اخلاقی و معنوی او به طور جدی وقع نهاد. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۲۶۷) میرسیدعلی با همین نفوذ بت‌خانه‌ها را تعطیل و از اقدامات دیگر او تأسیس مراکز معنوی، علمی و عبادی از جمله خانقاه همدانیه بوده است. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۶۶۷). نویسنده بهارستان شاهی جایگزینی و نقش برجسته معنوی امیرسیدمحمد همدانی پس از وفات میرسیدعلی را بیان نموده و از تسلط او بر مسائل علمی سخن گفته است. سلطان اسکندر (۷۹۲-۸۱۳ ق / ۱۳۹۰-۱۴۱۰ م) نیز تحت تأثیر او بوده است. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۲۶۷-۲۷۰)

خاندان بیهقی نیز از جمله مروجان فرهنگ ایرانی-اسلامی به ویژه ترویج تشیع بودند

که در این اثر به خوبی و برای اولین بار در بین آثار مربوط به کشمیر از آن‌ها یاد شده، به ویژه این که سید محمود بیهقی رییس آنان در دستگاه سلطان زین‌العابدین تأثیر قابل‌اعتنایی داشته است. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۲۷۷-۲۷۸) همچنین از دیگر عناصر فوق‌العاده مؤثر در تحولات فرهنگی کشمیر میرشمس‌الدین عراقی (اراکی) متوفی (۹۳۲ ق/ ۱۵۲۵م) است که از اواخر قرن نهم تا اوایل قرن دهم هجری توانسته با جلب نظر حاکمان و فرماندهان چک، زمینه‌های گسترش اسلام، تعمیم تشیع، عرفان و توسعه فرهنگ ایرانی را فراهم نماید. میرشمس‌الدین از امام هفتم موسی بن جعفر (ع) نسب می‌برده است. تولد او در روستایی «کند» از توابع سلغان اراک (سولغان) بوده است و بدین جهت او را میرشمس‌الدین عراقی خوانده‌اند و برای اولین بار وی از ناحیه سلطان حسین بایقرا تیموری (۸۷۵-۹۱۱ ق/ ۱۴۶۳-۱۵۰۵ م) برای سفارت، از هرات به کشمیر اعزام گردیده است. (رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۷۶)

نویسنده *بهارستان شاهی* از تبعیت بی‌چون‌وچرای سران کشمیر از جمله کاجی چک از امیر شمس‌الدین سخن گفته و شدت عمل او را در مقابل هندوان را بیان کرده است. (حیدری کاشمیری، ۱۹۸۲: ۳۲۰-۳۳۰ و ۳۵۷) مطالب بهارستان در زمینه تأثیرگذاری و نفوذ فرهنگ ایرانی - اسلامی اگرچه در بعضی متون مختصر آمده ولی به خوبی به این موضوع پرداخته است. همچنین کتاب از این جهت اهمیت و ارزش دارد که برای کسب اطلاعات دسته اول درباره جریانات و تحولات سیاسی کشمیر مقارن با حمله اکبر شاه به آن سرزمین و تسخیر آنجا و روابط دولت تیموری هند با کشمیر در دهه اول سلطنت جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۲۳ ق/ ۱۶۰۵-۱۶۱۴ م) کم نظیر است. (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۲) در حقیقت بهارستان شاهی حاوی اطلاعاتی مستند درباره تاریخ کشمیر پیش از تصرف آن به دست گورکانیان و پس از آن تا هشتمین سال فرمانروایی جهانگیر است (نوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۱۶) در واقع این کتاب یک تاریخ‌نامه سیاسی درباره پیشینه کشمیر نیز به حساب می‌آید.

آنچه با مطالعه اثر می‌توان نتیجه گرفت این است که نویسنده سعی داشته مسائلی تاریخی را به ترتیب زمانی که رخ داده بیاورد اما غفلت از ذکر و ثبت برخی سال‌ها و یا زمان وقایع از اعتبار تألیف کاسته است. مؤلف در باب اول که درباره پیدایش کشمیر

و پادشاهان نخستین این سرزمین بوده تنها به نقل افسانه‌ها و اساطیر اکتفا کرده و هیچ اظهارنظر و یا نقدی نداشته است. (حیدری کشمیری، ۱۹۸۲: ۲۴۸-۲۵۷) نویسنده اثر بر آن بوده که تا وقایع کشمیر را آنچه که بوده بیان نماید و در ارائه اتفاقات و حوادث کوتاهی ننموده لیکن با توجه به گرایش مذهبی (تشیع) که داشته نسبت به رفتار حکام و عوامل اهل سنت نسبت به هم مذهب‌بان خود موضع‌گیری داشته است. برای مثال، تقریباً همه شیوه‌ها و رفتارهای میرزا حیدر دو غلات (۹۰۵-۹۵۷ ق / ۱۴۹۹-۱۵۵۰ م) که مدتی بر کشمیر حاکمیت داشته را تقبیح نموده است. (حیدری کشمیری، ۱۹۸۲: ۳۳۷-۳۴۰)

باتوجه به این که بهارستان شاهی تاریخ محلی کشمیر به حساب می‌آید از برخی زوایای اجتماعی از جمله ویژگی‌های معیشتی، اقتصادی و صنفی غفلت نموده است. همچنین اثر بسیار متکلف و مصنوع و برخی مطالب آن به دشواری قابل تشخیص است. بیش‌تر محققانی که بهارستان شاهی را مورد بررسی قرار داده‌اند باتوجه به قرائن بر این اعتقادند خلاصه‌ای که از تاریخ عهد هنود یا ایام کشمیر باستان در این کتاب آمده از *راج‌ترنگینی* است (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۲) و با مقایسه بین باب اول بهارستان با برخی متون مربوط به پیدایش کشمیر در *راج‌ترنگینی* این مطلب نیز به اثبات می‌رسد. اگرچه مصدر نوشته‌های مؤلف ناشناس *بهارستان شاهی* در باب رویدادهای قرون هشتم تا دهم هجری مشخص نیست اما با بررسی و تطبیق اطلاعات آن با دیگر منابع مرتبط با دوره‌های مذکور ارزش و صحت مطالب آشکار می‌شود. نظر به حضور مؤلف در برخی وقایع مربوط به دوره تیموریان به ویژه عصر پادشاهی اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ق / ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م) و سلطنت جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق / ۱۶۰۵-۱۶۲۷ م) و شیوه تسلط آنان بر کشمیر و خاتمه دولت چک‌ها بهارستان شاهی اثری ممتاز به حساب می‌آید.

و جوه اهمیت کتاب بهارستان شاهی عبارت‌اند از:

- باتوجه به بررسی ابواب کتاب چنین به نظر می‌رسد که بهارستان شاهی دربردارنده مطالبی مبتنی بر یک سیر تاریخی نسبتاً خوب و مناسب از تحولات تاریخی کشمیر به ویژه از قرن هشتم هجری تا زمان تألیف آن می‌باشد.

- شکل‌گیری اثر به زبان فارسی و استفاده و بهره‌مندی از آداب و اشعار نشانگر اهمیت و اعتنای به فرهنگ و ادب ایرانی و تأثیر و تعمیم آن در کشمیر آن زمان است.
- از جمله نتایج بررسی کتاب این که به تبیین سیر مهاجرت علما و دانشمندان، عرفا و شعرای ایران می‌پردازد. چه سادات همدانی و در رأس آنان میرسیدعلی همدانی و فرزندش و نیز خاندان‌هایی از خراسان مانند بیهقی و یا شخصیت‌هایی مثل میرشمس‌الدین عراقی (اراک‌) و حتی تعدادی شعرا که هر کدام به نحوی در شکل‌گیری فرهنگ ایرانی اسلامی در کشمیر و موسوم گردیدن آن سرزمین به ایران صغیر نقش داشته‌اند.

- اگرچه به نظر می‌رسد توالی مطالب از جهت تاریخی رعایت شده اما در بیان زمان وقایع در بسیاری از موارد کوتاهی شده است.

- بینش حاکم بر تفکرات نویسنده ناشناس نیز در تعریف و توصیفات و گزارش وقایع اثرگذار بوده و آنچه بر می‌آید وی شیعی معتقدی بوده که نسبت به حاکمیت میرزا حیدر دو غلات (۹۰۵-۹۵۷ ق / ۱۴۹۹-۱۵۵۰ م) و اعمال و رفتار خشن وی با شیعیان کشمیر و یا شیوه برخورد عوامل دولت گورکانی درباره آخرین سلاطین چک موضع داشته است.

۳. تاریخ کشمیر (معروف به تاریخ حیدر ملک کشمیری)

نویسنده این کتاب تاریخی در باب کشمیر، حیدر ملک چادوره‌ای یا چاروره‌ای یکی از چهره‌های مبرز تاریخ کشمیر است که به عنوان دولتمرد، تاریخ‌نویس، معمار و معاصر دو پادشاه بزرگ تیموری یعنی اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ق / ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م) و جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق / ۱۶۰۵-۱۶۲۷ م) بوده است. حیدر ملک در خانواده‌ای سرشناس و پرنفوذ از شیعیان کشمیر در چادوره (چاروره) که در جنوب سرینگر واقع شده متولد شد. پدر بزرگ حیدر ملک وزیر حسین شاه چک (۹۷۰-۹۷۷ ق / ۱۵۶۲-۱۵۶۹ م) بود که در کنار یوسف شاه چک (۹۸۷-۹۹۲ ق / ۱۵۷۹-۱۵۸۴ م) آخرین پادشاه کشمیر، با سپاهیان اکبر شاه وارد جنگ شد. (Sufi, 1949, 1: 257)

حیدر ملک در آغاز جوانی تا مدت ۲۴ سال در ملازمت یوسف شاه چک (۹۷۸-۹۹۴ ق /

۱۵۷۹-۱۵۸۶م) بود که تا آخر حیات یوسف این همراهی ادامه داشته است. (عسکری، ۲۰۱۰: ۵۶) با انحطاط سلسله چک و درگذشت یوسف شاه، حیدر ملک به طور کلی به خدمت جهانگیر درآمد و به جهت تصدی مقامی دولتی، عازم زادگاه خود شد. از جمله فعالیت‌ها و کارهای مهم او در کشمیر، بازسازی مسجد جامع سرینگر پس از آتش‌سوزی ۱۰۳۹ قمری بود. او مسجد را با وسعتی بیش‌تر و با هزینه شخصی خود از نو بنا کرد. (کهویامی، ۱۹۵۴، ج ۲: ۴۸۰) اقدامات دیگر و احداث برخی بناها و عمارات را به او منسوب کرده‌اند. از جمله؛ حوض چشمه ویرناگ، باغ شاه‌آباد که در نزدیکی همین چشمه قرار دارد. (کهویامی، ۱۹۵۴، ج ۱: ۱۲۲) از جمله خدمات حیدر ملک بازسازی خانقاه عالم و عارف معروف میر شمس‌الدین عراقی (اراکی) بود که بر اثر حریق تخریب شده بود. (Sufi, 1949, 1: 258)

از دیگر مناصب وی، سمت فوج‌داری روستایی به نام جائس از سوی دولت بایریان بوده است. (احمد، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۹) یکی از خدمات حیدر ملک به جهانگیر این بود که سبب رساندن مهرالنساء (نور جهان بیگم) به دربار جهانگیر ازدواج آن دو گردید، این باعث شد تا وی مورد عنایت و تحت حمایت پادشاه و ملکه قرار گیرد و به همین دلیل پس از مدتی جهانگیر به توصیه نور جهان عنوان «چغتای» و «رئیس‌الملک» را به حیدر ملک اعطا کرد. (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۳؛ احمد، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۹)

عمده این اثر مشتمل بر تاریخ سیاسی کشمیر از زمان‌های قدیم تا شانزدهمین سال جلوس جهانگیر (۱۰۳۰ ق / ۱۶۲۰ م) است، مطالب قسمت اول آن که مربوط به تاریخ هنود (پیدایش تا دوران ورود اسلام به کشمیر) است، بیش‌تر از راج‌ترنگینی مأخوذ گردیده و به طور خلاصه نوشته شده است. مطالب قسمت دوم هم تا اتفاقات سال ۱۰۳۰ قمری است. به نوشته آفتاب اصغر نسخه ایندیا آفیس به جز تاریخ کشمیر تاریخ عمومی کشورهای هم‌جوار و معاصر با دولت تیموری هند و کشمیر مانند ایران و ماوراءالنهر را نیز شامل می‌شود، علاوه بر آن در خاتمه تاریخ کشمیر، جغرافیای تاریخی کشمیر را نیز آورده است. (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۳)

در محتوای اثر مطالب گوناگونی یافت می‌شود. به غیر از بیان ادوار سلاطین و حکام، طغیان و شورش‌ها، جنگ‌ها، فتوحات و عروج و زوال سلسله‌های شاهی، مطالب متعدد

دیگری نیز در باب اشعار حکمت‌آموز، قصص و حکایات صوفیانه نیز دیده می‌شود. هم‌چنین در باب ترویج و توسعه اسلام تحت عنوان اشاعت اسلام به تفصیل سخن رانده است. از فعالیت‌ها و احوال عامه مردم و نیز مسائل اقتصادی و فرهنگی صرف‌نظر کرده و اغلب به ذکر مطالب مربوط به دربار شاهی اشاره نموده است. (حیدر ملک، ۱۹۹۹: ۱۲۱ و ۱۴۵؛ احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۲)

حیدر ملک در نوشته‌های خود علاقه‌مندی و اشتیاقش را نسبت به سرزمین آبا و اجدادیش نشان داد. در حقیقت در این تاریخ جذبه حب‌الوطنی در حدی بالا وجود دارد و پادشاهان بزرگ کشمیر را که در توسعه، رفاه و آبادانی کشمیر کوشیده‌اند از جمله سلطان شهاب‌الدین (۷۵۵-۷۷۵ ق / ۱۳۵۴-۱۳۷۴ ق) و سلطان زین‌العابدین (۸۲۷-۸۷۸ ق / ۱۴۲۳-۱۴۷۳ م) را ستوده است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۳) هم‌چنین به توصیف کشمیر از حیث طبیعی نیز توجه نموده و به کوه‌های بلند، آب زلال، چشمه‌های زیبا، رودهای شفاف و باغات سرسبز و شاداب این سرزمین پرداخته است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۳)

نویسنده کوشش‌ها و مجاهدت‌های میرسیدعلی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ ق / ۱۳۱۴ م) و پسرش سیدمحمد (متوفی ۸۹۵ ق / ۱۴۰۶ م) و برخی از همراهان و ایرانیان مهاجر دیگر را در تبلیغ اسلام و اشاعه این آئین در کشمیر ستوده و به تفصیل به ذکر آن پرداخته است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۳) حیدر ملک از شخصیت‌های دیگر ایرانی که در عرصه سیاسی و فرهنگی کشمیر منشأ آثار بوده‌اند. مانند بابا طالب اصفهانی (متوفی ۱۰۳۲ ق / ۱۶۲۲ م) در چندین مورد یاد کرده است. از جمله برخلاف نوشته بلیانی که وی را گوشه‌نشین معرفی کرده (اوحدی دقاقی بلیانی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۲۳۹) او را شجاع، دلاور و سردسته گروهی جنگندگان یوسف شاه چک معرفی نموده، همین‌طور اقدامات نظامی وی را در مقابل لشکر تیموری ستوده و آورده است:

جانب آب پرگنه که‌هاده جنگ... آن قدر به مردم مغول [ضربه وارد] کرده تا رسیدن بولیاس قریب دو هزار کس جاندار را بی‌جان ساخت و نگذاشت که قدم از آن جا پیش نهند. (حیدر ملک، ۱۹۹۹: ۸۰)

وی پس از توضیح و یا توصیف برخی وقایع و حکایات تاریخی از اشعار فارسی و

شعرای ایرانی به تناسب موضوع بهره برده است. از جمله محاسن اثر، رعایت تسلسل و ترتیب وقایع و ثبت نسبتاً دقیق رویدادها است. هم‌چنین اهمیت دیگر تاریخ حیدر ملک کشمیری این‌که نویسنده خود در اغلب حوادث شرکت داشته و ناظر و شاهد دقیق بعضی وقایع تاریخی بوده است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۲) از نکات قابل توجه و از ویژگی‌های قابل ملاحظه این کتاب، واقع‌بینی نویسنده نسبت به رویدادهای کشمیر و عملکرد پادشاهان آن است و به تعبیری بسیاری از آگاهی‌هایی که در باب دربار و محافل سلطنتی و حکومتی ارائه کرده نشانگر آزاد اندیشی و راست‌گویی مؤلف بوده است، زیرا وی اقدامات ظالمانه و سفاکانه حیدر میرزا دو غلات (متوفی ۹۵۷ ق / ۱۵۵۰ م) حاکم کشمیر در اواسط قرن دهم هجری را تقبیح نموده و ستم او را نسبت به عامه مردم و نیز عکس‌العمل آنان را در مقابل دو غلات بیان نموده است. هم‌چنین در مورد ضعف و انحطاط پادشاهان سلسله چک به ویژه یوسف شاه (۹۸۷-۹۹۴ ق / ۱۵۷۹-۱۵۸۶ م) به مواردی از قبیل خوش‌گذرانی و غفلت وی در مورد مملکت‌داری اشاره و غرق شدن او در طرب و عیش را مورد نکوهش قرار داده است. حیدر ملک این پادشاه را به دلیل بی‌اعتنایی به امور مردم و عدم توجه به بهبودی و فلاح عامه مورد انتقاد و عدم توانایی او را در دفاع از کشمیر و در مقابل بیگانگان سرزنش نموده و اهلیت سیاسی و کشورداری او را ناموفق دانسته است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۲-۴۲۳)

تاریخ کشمیر، حیدر ملک ولیعهد و جانشین یوسف شاه چک یعنی یعقوب (۹۹۴-۹۹۶ ق / ۱۵۸۶-۱۵۸۸ م) را به دلیل جهت‌گیری‌های مذهبی، عدم حسن سلوک با سایر فرقه‌های مسلمان و فشارهای او بر سنیان، مورد انتقاد قرار داده است. با توجه به این‌که حیدر ملک فردی شیعی مذهب بوده، مطالب او حکایت از دوراندیشی و عاقبت‌نگری و دیدگاهی مبتنی بر رعایت مصالح جامعه اسلامی دارد.

اخبار قبل از دوران حیدر ملک به واسطه وجود اسناد قوی و محکم خانوادگی، گزارش‌های مربوط به اجداد وی که از بزرگان کشمیر بوده‌اند قابل ملاحظه است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۲) از ویژگی‌های مثبت **تاریخ کشمیر حیدر ملک**، معرفی رجال، مشاهیر دینی، علم و ادب است. هم‌چنین از جمله محاسن این اثر سادگی و روانی آن است که نقطه

مقابل آثاری مانند *بهارستان شاهی* می‌باشد. از جمله علل ضعف اثر که برخی محققین مانند واصف احمد بدان اشاره نموده‌اند، عدم توجه نویسنده به مسائل اجتماعی و جریانات مردمی بوده است، زیرا وی بر این اعتقاد است که حیدر ملک بیش‌تر به بیان فعالیت‌های سیاسی و کارنامه پادشاهان کشمیر پرداخته و در این رابطه مبالغه نموده است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۳)

واصف احمد و آفتاب اصغر منابع و مأخذ کتاب تاریخ کشمیر حیدر ملک را از حیث تاریخی مستند، مهم و فوق‌العاده دانسته و مأخذی مانند ترجمه فارسی *راج‌ترنگینی* و یا آثاری چون *جوناراج* و *شری‌ور* که نوشته‌هایی در باب تاریخ باستان کشمیر است را مورد استفاده حیدر ملک دانسته‌اند. هم‌چنین با توجه به دست‌رسی نویسنده به اخبار و اطلاعاتی درباره شاهان و اتفاقات کشمیر از اسناد و مدارک خانوادگی بهره بسیار برده، حضور او در جریانات مربوط به الحاق و انضمام کشمیر به قلمرو دولت تیموری نیز در تاریخ حیدر ملک درج و انعکاس یافته و به همین جهت آن را تألیفی مهم و قابل‌اعتنا ساخته است. (احمد، ۱۳۸۹: ۴۲۲؛ اصغر، ۱۳۶۴: ۲۷۳)

ووجه اهمیت کتاب تاریخ کشمیر حیدر ملک عبارت‌اند از:

- از جمله موارد مهم مربوط به تاریخ حیدر ملک کشمیری حضور نویسنده در وقایع و جریانات سیاسی کشمیر به عنوان یک دولتمرد و راجل متنفذ محلی است و این باعث گردیده تا وی به طور دقیق بتواند تحولاتی مانند انتقال قدرت از سلسله چک به دولت گورکانی و برخی اتفاقات مربوط به اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری را در اثر خود منعکس نماید.

- بهره‌گیری حیدر ملک از شیوه نگارش نویسندگان فارسی‌زبان به ویژه درج مطالب حکمت‌آموز و مضامین ادب فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی را می‌توان نتیجه تأثیرگذاری علما، ادیبان و عرفای ایرانی در کشمیر و در حد والایی قلمداد نمود به طوری که این‌گونه آثار نشانگر عمق اثرگذاری ایران در کشمیر و اشتها آن به ایران صغیر است.

- خاندان نویسنده از اعیان و بزرگان کشمیر بوده‌اند و موقعیت آباء و پدر وی باعث وجود اسناد و مکتوباتی در بین این خانواده گردیده که به نظر می‌رسد او در

شکل‌گیری تألیف از این آثار بهره‌گیری نموده است.

- معرفی رجال و مشاهیر دینی، ادبی و عرفان ایران اسلامی و پارسی‌گوی تأثیرگذاری این شخصیت‌ها در ایران صغیر است، به طوری که حیدر ملک در معرفی کسانی مانند میرسیدعلی همدانی، میرشمس‌الدین عراقی و بابا طالب اصفهانی کوشش داشته است.

- به نظر می‌رسد تاریخ کشمیر حیدر ملک، مانند سایر تواریخ کشمیر در آن‌روزگار مانند *بهارستان شاهی* عمده اخبار و اطلاعات مربوط به دوران باستان کشمیر را از آثاری مانند *راج ترنگینی* اخذ کرده باشد.

- از بررسی تاریخ حیدر ملک چنین نتیجه می‌توان گرفت که علیرغم ورود وی به برخی اتفاقات کشوری و لشکری از مسائل و جریانات مردمی و اجتماعی در مواردی چشم‌پوشی کرده که برخی محققان مانند واصف احمد آن‌را اشکال دانسته که از جمله قتل عام کشمیر به دست میرزا حیدر دو غلات به سال ۹۳۹ قمری بوده و در آثاری مانند *بهارستان شاهی* به خوبی به آن پرداخته شده است.

نتیجه

برخی سرآغاز تاریخ‌نگاری شبه‌قاره را از مناطقی مانند کشمیر و آثاری چون *راج ترنگینی* می‌دانند. اگرچه چنین آثاری جنبه اساطیری دارد، اما نشانگر پیشینه قابل‌اعتنای تاریخ‌نگاری محلی در این سرزمین می‌باشد. با حاکمیت فرهنگ اسلامی در عصر پادشاهان سلسله شاهمیری از جمله سلطان زین‌العابدین (۸۲۷ - ۸۷۸ ق / ۱۴۲۳ - ۱۴۷۳ م) اهتمام به دانش‌هایی مانند تاریخ آغاز شد، لیکن مهم‌ترین آثار و تألیفات در اوایل قرن یازدهم هجری با *بهارستان شاهی* رقم خورد. از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری کشمیر ترجمه و به ویژه تألیف آثار به فارسی، بهره‌مندی از فرهنگ و ادب ایرانی - اسلامی، ثبت و ضبط و تبیین جریان‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی و معرفی شخصیت‌های تأثیرگذار معنوی و مذهبی از قرن هشتم تا یازدهم هجری می‌باشد.

با تثبیت اسلام و رسمیت یافتن آن در کشمیر و تبلیغ و ترویج این آیین، به خصوص

توسط رجال ایرانی، زبان فارسی به عنوان زبان دین، حکمت و عرفان توسعه یافت، به ویژه مهاجرت گروه‌هایی از ایرانیان به کشمیر که بزرگ‌ترین مروجان و اصلی‌ترین مبلغان اسلام بودند و نیز تمایل حاکمان مسلمان این سرزمین به فرهنگ و ادب ایرانی، زمینه گسترش و تعمیم زبان فارسی را فراهم نمود، به طوری که بیش‌تر آثار و کتب به این زبان تألیف و تدوین و فارسی، زبان رسمی دربار و حتی عامه مردم گردید و همین موضوع باعث شد تا کشمیر به ایران صغیر اشتهار یابد.

تألیفات درباب تاریخ محلی کشمیر، در عین وجود برخی اشتراکات بین آن‌ها، هر کدام ویژگی‌ها و یا تفاوت‌هایی دارند و از مؤلفه‌های مهم آن توجه بیش‌تر به اساطیر، مذهب و شخصیت‌های مقتدر و نافذ از جمله سلاطین و عرفا است و مسائل اجتماعی و مردمی کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند از جمله این که:

- **راج‌ترنگینی** نمادی از فرهنگ و آیین گذشته کشمیر را به تصویر می‌کشد و مأخذی برای شناخت اساطیر و بیانگر صبغه فکری و اعتقادی ملهم از آیین‌های باستانی و عرفانی شبه قاره است.

- **بهارستان شاهی** مهم‌ترین و نخستین تألیف تاریخی درباره دوران اسلامی و پیشینه کشمیر تا اوایل قرن یازدهم هجری بوده، مشتمل بر اطلاعاتی از جمله تأثیرگذاری شخصیت‌هایی از عرفا، علما و خاندان‌ها و نیز تحولات سیاسی، تاریخی و فرهنگی آن سامان است، که مشحون از اشعار و منبعی مورد استفاده برای تواریخ بعدی به حساب می‌آید.

- **تاریخ حیدرملک کشمیری** نیز ضمن پرداختن به موقعیت تاریخی و سیاسی کشمیر به نکاتی از جمله ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی این سرزمین توجه داشته و نقش تعدادی از رجال کشمیر را در رخدادهای تاریخی آنجا تبیین نموده است.

صحت و اتقان بسیاری از حکایات **راج‌ترنگینی** به علت آمیختگی اطلاعات تاریخی با افسانه‌ها رنگ باخته و ضعیف می‌نماید، هر چند برخی از روایات آن بیانگر گذشته کشمیر، آداب و رسوم مردمان و حاکمان و پیشینه ابنیه آنجاست که در منبع دیگری یافت نمی‌شود، در حالی که دو اثر دیگر (**بهارستان شاهی** و **تاریخ حیدرملک**) به اختصار دوره اساطیری را لحاظ نموده و بیش‌تر به عملکرد شاهان مسلمان و حوادث عهد حاکمیت آنان

بررسی و تبیین تاریخ‌نگاری محلی کشمیر تا اوایل قرن یازدهم [۱۰۱]

توجه داشته‌اند که با بررسی منابع و مأخذ می‌توان به درستی و صحت آن‌ها پی برد. در بین این آثار بهارستان دارای تکلف و برخی مطالب آن به سختی قابل تشخیص است، اما *راج‌ترنگینی* و *تاریخ حیدرملک* از روانی عبارات و نوشته‌ها بهره مند است. به نظر می‌رسد تقرب و نزدیکی نویسندگان بهارستان شاهی، به ویژه تاریخ حیدرملک به حاکمیت و نفوذ آنان در دربار، باعث انعکاس مشاهدات و درج اسنادی در آثارشان گردیده، ضمن این که دو تألیف یاده شده به زوایای اجتماعی و جریان‌های مردمی توجه چندانی نداشته‌اند.

Archive of SID

کتابنامه

- احمد، ظهورالدین (۱۳۸۷). *تاریخ ادب فارسی در پاکستان* (از جهانگیر تا اورنگ زیب)، ترجمه و تحشیه شاهد چودری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲.
- احمد، واصف (۱۳۸۹). «نگاهی گذرا به تاریخ‌نویسی محلی راجع به کشمیر»، *فصلنامه قند پارسی*، ش ۴۷ و ۴۸، بهار، ص ۴۱۴-۴۲۶.
- اشرف‌خان، علی‌ام (۱۳۸۹). «تاریخ حسن مأخذ مهم ادبیات فارسی کشمیری»، *فصلنامه قند پارسی*، ش ۴۷ و ۴۸، بهار، ص ۵۸۷-۶۰۳.
- اصغر، آفتاب (۱۳۶۴). *تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان* (تیموریان بزرگ)، لاهور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- اطهر رضوی، سیدعباس (۱۳۷۶). *شیعه در هند*، واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- انوشه، حسن (۱۳۸۰). *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴.
- اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۸). *عرفات العاشقین و عرصات العارفين*، مقدمه و تصحیح و تعلیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ج ۴.
- خلیلی جهان تیغ، مریم (۱۳۸۵). «بازتاب روایت‌های همسان در کتاب راج ترنگینی و آثار ایرانی و سامی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی* (وابسته به انجمن زبان و ادبیات فارسی)، ش ۱۱، بهار، ص ۸۱-۹۲.
- حیدری کاشمیری، اکبر (۱۹۸۲). *بهارستان شاهی*، سرینگر، انجمن شرعی شیعیان جامون و کشمیر.
- حیدر ملک، (۱۹۹۹). *تاریخ کشمیر* (تاریخ حیدر ملک چادوره)، دهلی، مرکز میکروفیلم نور.

بررسی و تبیین تاریخ نگاری محلی کشمیر تا اوایل قرن یازدهم [۱۰۳]

- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۵). کشمیر، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاه‌آبادی، ملامحمدشاه (۱۳۵۳). راج‌ترنگینی (تاریخ کشمیر)، راولپندی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- عبدالرحمان، سیدصباح‌الدین (۱۹۹۵). بزم تیموریه، اعظم‌گره، دارالمصنفین شبلی آکادمی.
- کشمیری، مولوی میرزامحمدعلی بن صادق (۱۳۸۸). تذکره زعفران زار کشمیر، تصحیح و توضیح کریم نجفی برزگر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کهویامی، پیرغلام حسین (۱۹۶۰). تاریخ حسن، سرینگر، حکومت جمون و کشمیر، ج ۴.
- کهویامی، پیرغلام حسین (۱۹۶۰). تاریخ حسن، سرینگر، حکومت جمون و کشمیر، ج ۱.
- Sufi, Kashir, (1949). Being a history of Kashmir from the earliest times to our own, Lahore.